

غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ مناسک الحج: السيد الكلبيگانی، قم، دار القرآن الكريم، ۱۴۱۳ق؛ مناسک الحج: السيد علی السيستاني، شهيد، قم، ۱۴۱۳ق؛ مناسک الحج: ميرزا جواد تبریزی، قم، مهر، ۱۴۱۴ق؛ مناسک الحج: وحيد الخراسانی؛ منتهی المطلب: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، چاپ سنگی؛ مواهب الجليل: الحطاب الرعيني (م. ۹۵۴ق.)، به كوشش زكريا عميرات، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۶ق؛ وسائل الشيعه: الحر العاملي (م. ۱۰۴ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۲ق.

سيد جعفر صادقي فدكي



### آمین: عبارت پس از قرائت حمد در نماز

اهل سنت، از جمله نمازهای جماعت حرمین

واژه آمین از ریشه «ا - م - ن» به معنای اعتماد کردن، تصدیق نمودن، امین پنداشتن<sup>۱</sup> و برطرف شدن ترس و نگرانی<sup>۲</sup> آمده و در اصطلاح به معنای درخواست اجابت دعا از خداست.<sup>۳</sup> برخی واژه پژوهان آن را به صورت های آمین و آمین، با تشدید و بدون آن، به کار برده اند.<sup>۴</sup> روشن نیست که این واژه در اصل عربی بوده یا از واژه های دخیل است.

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۳۳؛ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۱.  
 ۲. العين، ج ۸، ص ۳۸؛ الصحاح، ج ۵، ص ۲۰۷؛ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۱، «امن».  
 ۳. معانی الاخبار، ص ۳۳۹؛ معجم لغة الفقهاء، ص ۲۷.  
 ۴. لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۶-۲۷.

نجفی، ۱۴۰۵ق؛ قواعد الاحکام: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق؛ الكافي: الكليني (م. ۳۲۹ق.)، به كوشش غفاری، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۷۵ش؛ كشاف القناع: منصور البهوتي (م. ۱۰۵۱ق.)، به كوشش محمد حسن، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۸ق؛ كفاية الاحكام (كفاية الفقه): محمد باقر السبزواری (م. ۱۰۹۰ق.)، به كوشش الواعظي، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۲۳ق؛ كلمة التقوى (فتاوى): محمد امين زين الدين، مهر، ۱۴۱۳ق؛ كنز العمال: المنتقى الهندى (م. ۹۷۵ق.)، به كوشش صفوة السقاء، بيروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ لغت نامه: دهخدا (م. ۱۳۳۴ش.) و ديگران، تهران، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش؛ المبسوط في فقه الاماميه: الطوسي (م. ۴۶۰ق.)، به كوشش بهبودی، تهران، مكتبة المرتضويه؛ المبسوط: السرخسی (م. ۴۸۳ق.)، بيروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ مجمع البيان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، بيروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ مجمع الزوائد: الهيثمي (م. ۸۰۷ق.)، بيروت، دار الكتاب العربي، ۱۴۰۲ق؛ المجموع شرح المذهب: التنووي (م. ۷۶۶ق.)، دار الفكر؛ مختلف الشيعه: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق؛ مدارك الاحكام: سيد محمد بن علي الموسوي العاملي (م. ۱۰۰۹ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۰ق؛ مسالك الافهام الی تنقيح شرائع الاسلام: الشهيد الثاني (م. ۹۶۵ق.)، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ مستند الشيعه: احمد التراقي (م. ۱۲۴۵ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۵ق؛ المعتمد في شرح المناسك: محاضرات الخوئي (م. ۱۴۱۳ق.)، الخلخالی، قم، مدرسة دارالعلم، ۱۴۱۰ق؛ المغني و الشرح الكبير: عبدالله بن قدامة (م. ۶۲۰ق.) و عبدالرحمن بن قدامة (م. ۶۸۲ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية؛ من لا يحضره الفقيه: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به كوشش

شماری از مفسران آن را واژه‌ای بیگانه و اصل آن را عبری، سریانی<sup>۱</sup> یا مُعَرَّب کلمه «همین» در زبان فارسی<sup>۲</sup> دانسته‌اند. در برابر، برخی آن را عربی و اسم فعل به معنای «اجابت کن»<sup>۳</sup> یا از اسمای الهی و اصل آن را «یا امین» دانسته‌اند.<sup>۴</sup>

گفتن آمین در بسیاری موارد مستحب<sup>۵</sup> و بر پایه دیدگاه فقیهان امامی، در مواردی حرام و موجب بطلان نماز است و از چالش‌های فراروی مذاهب اسلامی به شمار می‌رود.

#### ◀ پیشینه موضوع: آمین گفتن پس از

دعا و نیز برخی موارد دیگر، در میان پیروان شرایع و ملل رایج بوده است.<sup>۶</sup> در حدیثی آمده که حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام دعای یکی از مؤمنان آمین گفت.<sup>۷</sup> نیز نقل شده که هنگام نفرین کردن موسی علیه السلام به فرعون، فرشتگان آمین گفتند.<sup>۸</sup> آیات ۸۸-۸۹ یونس/۱۰ از نفرین حضرت موسی علیه السلام و اجابت دعای دو نفر سخن گفته است: ﴿رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ

وَأَشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ﴾ قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا. برخی مفسران گفته‌اند که در این ماجرا موسی علیه السلام دعا کرد و برادرش هارون آمین گفت.<sup>۹</sup> این تفسیر در احادیث هم آمده است.<sup>۱۰</sup> پاره‌ای منابع از کاربرد واژه «آمین» به معنایی مشابه مفهوم واژه عربی آن در کتاب مقدس و اناجیل پس از دعا یا نماز یا موارد دیگر گزارش داده‌اند.<sup>۱۱</sup> در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده که مسیحیان در نمازشان آمین می‌گفته‌اند.<sup>۱۲</sup>

از مواردی که گفتن آمین در متون اسلامی بسیار ترغیب شده، پس از دعاست و از این روی، فقیهان شیعه و اهل سنت گفتن آن را پس از دعا مستحب شمرده‌اند.<sup>۱۳</sup> به روایتی، پیامبر صلی الله علیه و آله پاداش دعاکننده و آمین‌گو را یکسان شمرده<sup>۱۴</sup> و در حدیثی دیگر، ایشان دعای مؤمنان را هرگاه گرد هم آیند و برخی دعا کنند و دیگران آمین گویند، مستجاب خوانده

۹. مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۲۱؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۳۴.  
 ۱۰. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۰۵؛ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۳۵.  
 ۱۱. کتاب مقدس، تنبیه: ۲۷: ۱۵-۲۶؛ قاموس الکتب المقدس، ص ۷.  
 ۱۲. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۰؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۴۹؛ الحدائق الناضره، ج ۸، ص ۱۹۷.  
 ۱۳. المجموع، ج ۳، ص ۴۹۳؛ کشف الغطاء، ج ۲، ص ۳۰۹.  
 ۱۴. الکافی، ج ۲، ص ۴۸۷؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۷۴؛ کنز العمال، ج ۲، ص ۷۵.

۱. تفسیر ثعلبی، ج ۱، ص ۱۲۵؛ قاموس الکتب المقدس، ص ۷.  
 ۲. عمدة القاری، ج ۶، ص ۴۷؛ تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۰.  
 ۳. مفردات، ص ۲۶؛ تاج العروس، ج ۱۸، ص ۲۶، «امن».  
 ۴. تفسیر ثعلبی، ج ۱، ص ۱۲۵؛ زاد المسیر، ج ۱، ص ۱۲؛ عمدة القاری، ج ۶، ص ۴۷.  
 ۵. الموطأ، ج ۱، ص ۸۷؛ المبسوط، ج ۱، ص ۳۲-۳۳؛ المجموع، ج ۵، ص ۲۳۳.  
 ۶. فتح الباری، ج ۱۱، ص ۳.  
 ۷. الدعوات، ص ۴۲؛ بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۲۸۷.  
 ۸. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۰۵.

است.<sup>۱</sup> نیز نقل شده که آن حضرت به دعاکننده‌ای توصیه فرمود که دعای خود را به آمین ختم کند.<sup>۲</sup> در ماجرای مباحثه\* با مسیحیان نجران نیز پیامبر اکرم ﷺ به حضرت علی (علیه السلام) حضرت فاطمه (علیها السلام) و امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) سفارش فرمود که در پی دعای او آمین بگویند.<sup>۳</sup> در سیره امام صادق (علیه السلام) آمده که هرگاه اندوهگین می‌شد، زنان و کودکان را گرد آورده، از آنان می‌خواست پس از دعای او آمین بگویند.<sup>۴</sup> بر پایه برخی احادیث، پیامبر ﷺ و امامان (علیهم السلام) هنگام دعا کردن خود یا دیگران آمین می‌گفتند.<sup>۵</sup> بنا بر روایتی، پیامبر ﷺ روزی بر منبر چند بار آمین گفت و در جواب پرسش اصحاب، آن را در پاسخ به دعای جبرئیل دانست.<sup>۶</sup> بر پایه حدیثی دیگر، پس از آن که پیامبر اکرم ﷺ ستمکاران بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و حضرت علی (علیه السلام) را نفرین کرد، هم پیامبر ﷺ و هم علی (علیه السلام) آمین

گفتند.<sup>۷</sup>

عموم فقیهان اهل سنت آمین گفتن پس از قرائت سوره حمد را در نماز مستحب شمرده‌اند.<sup>۸</sup> برخی از آنان گفتن آمین پس از تلاوت سوره حمد را خواه در نماز و خواه جز آن، مستحب شمرده و آن را در نماز مستحب مؤکد دانسته‌اند.<sup>۹</sup> به نظر بسیاری از فقیهان اهل سنت، این کار بر همه نمازگزاران مستحب است، اعم از زن و مرد، امام و مأوم، در نماز جماعت یا فرادا و نماز مستحب یا واجب.<sup>۱۰</sup> البته مالکیان آمین گفتن در نماز جماعت جهری را تنها برای مأوم، مشروط به شنیدن صدای امام، مستحب دانسته‌اند.<sup>۱۱</sup> اندکی از فقیهان اهل سنت، آمین گفتن در نماز جماعت را بر مأوم واجب شمرده‌اند.<sup>۱۲</sup> بر اساس دیدگاه‌های یاد شده، جز حنفی‌ها که آمین را آهسته می‌گویند<sup>۱۳</sup>، پیروان دیگر مذاهب اهل سنت در نمازهای جهری از جمله نمازهای جماعت صبح، مغرب و عشاء مسجدالحرام و

۱. مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۱۷۰؛ المستدرک، ج ۳، ص ۳۴۷.

۲. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۱۳؛ فتح الباری، ج ۱۱، ص ۱۶۸؛ بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۹۴.

۳. الدر المنثور، ج ۲، ص ۳۹؛ الصافی، ج ۱، ص ۳۴۳؛ بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۸۱.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۴۸۷؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۷۴؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۰۵.

۵. مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۱۷۶؛ بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۴۵؛ المستدرک، ج ۱، ص ۵۲۰.

۶. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۰۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۲۶.

۷. بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۴۵؛ احقاق الحق، ج ۵، ص ۹۵؛ الانوار البهیة، ص ۷۷.

۸. المجموع، ج ۳، ص ۳۷۱؛ المغنی، ج ۱، ص ۵۳۱؛ فتح العزیز، ج ۳، ص ۳۴۷.

۹. المغنی، ج ۱، ص ۵۲۸؛ المجموع، ج ۳، ص ۳۷۱؛ الاقناع، ج ۱، ص ۱۲۴.

۱۰. المجموع، ج ۳، ص ۳۷۱.

۱۱. رساله ابن ابی زید، ص ۱۰۴؛ المغنی، ج ۱، ص ۵۲۸.

۱۲. نیل الاوطار، ج ۲، ص ۲۴۵.

۱۳. المسبوط، ج ۱، ص ۳۲.

مسجدالنبی، در پی قرائت حمد امام، با صدای بلند و هماهنگ آمین می‌گویند.

مستند فقیهان اهل سنت برای استحباب این عمل، احادیث متعدد منقول از پیامبر ﷺ است. از جمله از امام علی علیه السلام روایت کرده‌اند که از آمین گفتن پیامبر ﷺ پس از تلاوت ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾ خبر داده است.<sup>۱</sup> نیز ابوهریره نقل کرده که رسول خدا ﷺ مسلمانان را به آمین گفتن پس از سوره حمد امام جماعت فرمان داده<sup>۲</sup> و خود نیز این کار را انجام می‌داده است.<sup>۳</sup> عایشه<sup>۴</sup> و ابن عباس<sup>۵</sup> نیز از رسول خدا روایت کرده‌اند که آمین گفتن مسلمانان را مایه حسادت یهودیان به آنان شمرده است. در سیره پیامبر ﷺ نیز گفتن آمین با صدای بلند نقل شده است.<sup>۶</sup> بنا بر حدیثی دیگر، بلال از پیامبر ﷺ خواست تا در آمین گفتن از او پیشی نگیرد.<sup>۷</sup> از ام حُصَین نقل شده که در صف اول زنان در نماز جماعت، صدای آمین گفتن پیامبر را شنیده است.<sup>۸</sup>

در برابر، به نظر مشهور فقیهان امامی، تأمین (گفتن آمین) پس از حمد در نماز اعم از فردا و جماعت، برای امام و مأموم حرام است و چنین نمازی بدعت و باطل شمرده می‌شود.<sup>۹</sup> برخی این مسئله را اجماعی میان فقیهان امامیه دانسته‌اند.<sup>۱۰</sup> با استناد به برخی روایات، سخنانی دیگر هم در فقه امامی یافت می‌شود؛ از جمله حرمت آمین گفتن در نماز، بدون باطل شدن نماز<sup>۱۱</sup>، کراهت<sup>۱۲</sup> این کار، و نیز جواز آن که به ابن جنید نسبت داده شده است.<sup>۱۳</sup> برخی، روایاتی را که بر جواز آمین گفتن دلالت دارد و مستند قائلان به جواز یا کراهت آن است، بر تقیه حمل کرده‌اند.<sup>۱۴</sup>

از نظر علمای شیعه<sup>۱۵</sup>، استناد به احادیث مورد استدلال اهل سنت، درست نیست؛ زیرا همه روایات منقول از طریق اهل سنت در این باره بر سه دسته‌اند: ۱. حدیث منقول از امام علی علیه السلام در این زمینه. ۲. روایات ابوهریره. ۳. روایات دیگر. روایت منسوب به علی علیه السلام از جهات گوناگون پذیرفتنی نیست؛ زیرا اولاً جز

۱. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۷۷.

۲. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۹۰؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۱۲.

۳. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۱۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۷۸.

۴. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۷۸؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۷.

۵. کنز العمال، ج ۷، ص ۴۴۷؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۷.

۶. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۱۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۷۸؛

سنن الترمذی، ج ۱، ص ۱۵۷.

۷. مسند احمد، ج ۶، ص ۲۱۲؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۱۳.

۸. المعجم الکبیر، ج ۲۰، ص ۱۵۸؛ مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۱۱۳-۱۱۴.

۱۱۴

۹. الانتصار، ص ۱۴۴؛ تذکره الفقهاء، ج ۳، ص ۱۶۲؛ ذکری الشیعه،

ج ۳، ص ۳۴۵.

۱۰. الخلاف، ج ۱، ص ۳۳۴؛ نهاية الاحکام، ج ۱، ص ۴۶۵.

۱۱. مدارک الاحکام، ج ۳، ص ۳۷۳، ۳۷۵.

۱۲. المعتمبر، ج ۲، ص ۱۸۶؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۶۶.

۱۳. الدررر، ج ۱، ص ۱۷۴؛ الحبل المتین، ص ۲۲۵.

۱۴. الدررر، ج ۱، ص ۱۷۴؛ مدارک الاحکام، ج ۳، ص ۳۷۴.

۱۵. المعتمبر، ج ۲، ص ۱۸۷؛ نهاية الاحکام، ج ۱، ص ۴۶۵.

جمله دین یهود نبوده، در حالی که این با مسلمات تاریخی ناسازگار است. نیز سند آن‌ها مناقشه‌پذیر است؛ زیرا سهیل بن ابی صالح<sup>۶</sup> در سلسله سند روایت عایشه، طلحة بن عمر<sup>۷</sup> آمده که تضعیف شده است. هر چند برخی روایت وائل بن حجر را صحیح شمرده‌اند، شماری از اهل سنت آن را ضعیف دانسته‌اند.<sup>۸</sup> حدیث عبدالجبار به نقل از پدرش نیز مقطوع است؛ زیرا وی پس از مرگ پدر زاده شده و حدیث را از او نشنیده است.<sup>۹</sup> حدیث بلال نیز مناقشه‌پذیر است؛ هم به سبب مرسل بودن<sup>۱۰</sup> و هم به دلیل وجود عاصم احوول در سند آن که برخی محدثان اهل سنت او را ضعیف شمرده‌اند.<sup>۱۱</sup> همچنین در سند روایت ام حصین، اسماعیل بن مکی قرار دارد که او را ضعیف دانسته‌اند.<sup>۱۲</sup> افزون بر این، بسیاری از احادیث مورد استناد، عام‌اند و به گفتن آمین در نماز تصریح ندارند.<sup>۱۳</sup> از مهم‌ترین ادله نظر مشهور در فقه امامی، روایات منقول از پیامبر ﷺ است<sup>۱۴</sup>؛ از جمله آن

۶. تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۲۲۲؛ فیض القدر، ج ۱، ص ۵۴۴.  
 ۷. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۷۸؛ فیض القدر، ج ۵، ص ۵۶۲.  
 ۸. عون المعبود، ج ۳، ص ۱۴۴.  
 ۹. سنن الترمذی، ج ۳، ص ۷؛ عون المعبود، ج ۲، ص ۲۹۲.  
 ۱۰. عمدة القاری، ج ۶ ص ۴۸؛ عون المعبود، ج ۳، ص ۱۴۹.  
 ۱۱. میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۵۰.  
 ۱۲. مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۱۱۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۲۸۹.  
 ۱۳. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۷۸؛ فیض القدر، ج ۵، ص ۵۶۲.  
 ۱۴. الخلاف، ج ۱، ص ۳۳۴؛ المعتبر، ج ۲، ص ۱۸۵؛ نهاية الاحکام، ج ۱، ص ۴۶۵.

در سنن ابن ماجه، در هیچ یک از منابع شیعه و اهل سنت نیامده است. ثانیاً ابن ابی لیلی که در زمره راویان این حدیث است، ضعیف به شمار می‌رود.<sup>۱</sup> ثالثاً مضمون این روایت با دیدگاه امامان شیعه علیهم‌السلام تعارض دارد که به احادیث متعدد مستند است. (← ادامه مقاله)

احادیث نقل شده از طریق ابوهریره نیز به جهت ضعف و غیر قابل اعتماد بودن او معتبر نیستند؛ زیرا بسیاری از اصحاب و فقیهان بزرگ او را طعن کرده‌اند. از جمله بنا بر حدیثی، امام علی علیه‌السلام او را از دروغگوترین افراد شمرد.<sup>۲</sup> خلیفه دوم نیز او را به سبب مال‌اندوزی از راه حکمرانی نکوهید و دشمن خدا نامید.<sup>۳</sup> عایشه او را دروغگو و جاعل حدیث خوانده است.<sup>۴</sup> افزون بر این، بسیاری از فقیهان مانند ابوحنیفه احادیث او را مردود شمرده و فتوا دادن بر اساس آن‌ها را نپذیرفته‌اند.<sup>۵</sup>

روایات منقول از عایشه و ابن عباس نیز از چند جهت اشکال دارند؛ زیرا مضمون آن‌ها چنین است که آمین گفتن در شرایع پیشین از

۱. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۷۸.  
 ۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۱؛ شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۴۸.  
 ۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۲؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۶۵؛ البداية و النهایه، ج ۸، ص ۱۲۱.  
 ۴. نک: تأویل مختلف الحدیث، ص ۴۱؛ ففحات الازهار، ج ۳، ص ۲۳۰.  
 ۵. شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۶۸؛ اضواء علی السنة المحمدیه، ص ۲۰۴-۲۰۵.

که ایشان از ذکر کلام آدمی در نماز نهی کرده است.<sup>۱</sup> نیز حدیثی که نماز را شامل سه عنصر تکبیر، تسبیح و قرائت قرآن شمرده است؛<sup>۲</sup> و گفتن آمین مصداق هیچ یک از این سه نیست. افزون بر این، پیامبر ﷺ خود به مسلمانان فرمان داده تا نماز را همانند آن حضرت بگزارند.<sup>۳</sup> در حدیث ابوحمید ساعدی که اهل سنت نقل کرده‌اند و در آن، وی چگونگی نماز پیامبر را در حضور ۱۰ تن از صحابه تشریح کرده، سخنی از آمین گفتن به میان نیامده است.<sup>۴</sup> اگر آمین جزء نماز بود، باید در شمار اذکار واجب یا مستحب آن ذکر می‌شد. به نظر فقیهان شیعه، آمین پس از تلاوت سوره حمد را نمی‌توان درخواست اجابت خواسته‌های نمازگزار هنگام قرائت آن سوره به شمار آورد؛ زیرا وی این جمله را به قصد تلاوت سوره تلاوت می‌کند، نه به قصد دعا.<sup>۵</sup> احتیاط هم اقتضا دارد آمین که احتمالاً قطع‌کننده نماز است، بر زبان جاری نشود.<sup>۶</sup>

سخنان و سیره امامان شیعه علیهم‌السلام نیز مستند دیگر فقیهان امامی در این زمینه است. از جمله

در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام آمده که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از گفتن آمین نهی فرموده است.<sup>۷</sup> بنا بر روایتی دیگر، آن حضرت ضمن نهی از گفتن آمین، نمازگزاران را به گفتن «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» پس از حمد سفارش کرد.<sup>۸</sup> در حدیثی دیگر، گفتن آمین از کارهای مسیحیان شمرده شده است.<sup>۹</sup> افزون بر این، در روایات گزارشگر چگونگی نماز گزاردن امامان علیهم‌السلام، گفتن «آمین» به عنوان ذکر واجب یا مستحب مطرح نشده است؛ مانند روایت زراره از امام باقر علیه‌السلام<sup>۱۰</sup> و روایت معاویه بن عمار از امام صادق علیه‌السلام<sup>۱۱</sup> برخی از فقیهان یکی از مستندات حرمت آمین در نماز را اجماع فقیهان شیعه دانسته‌اند<sup>۱۲</sup>؛ ولی استناد به اجماع، مناقشه‌پذیر است؛ زیرا در میان فقیهان امامی، برخی مخالف نظر مشهور را پذیرفته‌اند و نیز ممکن است این اجماع به احادیث منقول درباره نهی از گفتن آمین مستند باشد و از این رو مستقلاً کاشف از رأی معصوم نیست.<sup>۱۳</sup>

۷. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۰؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۴۹؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۵، ص ۱۱۲.

۸. الکافی، ج ۳، ص ۳۱۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۷۱؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۶۷.

۹. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۷۱؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۶۷.

۱۰. الکافی، ج ۳، ص ۳۳۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۸۳.

۱۱. الکافی، ج ۳، ص ۳۱۱؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۰۰.

۱۲. الخلاف، ج ۱، ص ۳۳۴؛ روض الجنان، ص ۲۶۷.

۱۳. نک: مجمع الفائدة، ج ۲، ص ۲۳۴؛ مستمسک العروه، ج ۶، ص ۵۹۱.

۱. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۰؛ سنن النسائی، ج ۳، ص ۱۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۴۲۷.

۲. السنن الکبری، ج ۲، ص ۳۴۵؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۷۹.

۳. السنن الکبری، ج ۲، ص ۳۴۵؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۷۹.

۴. مسند احمد، ج ۵، ص ۴۲۴؛ سنن الدارمی، ج ۱، ص ۳۱۳.

۵. الانتصار، ص ۱۴۵.

۶. الانتصار، ص ۱۴۴؛ جامع الخلاف و الوفاق، ص ۷۲.

تنها پس از قرائت حمد جایز نیست؛<sup>۷</sup> زیرا احادیث مورد استناد تنها گفتن آن را پس از حمد ممنوع کرده‌اند.<sup>۸</sup> به نظر فقیهان امامی، گفتن آمین در حال تقیه جایز<sup>۹</sup> و حتی واجب<sup>۱۰</sup> است. مستند این حکم، ادله عام جواز یا وجوب تقیه<sup>۱۱</sup> است که شامل آمین گفتن در نماز هم می‌شود.<sup>۱۲</sup> با وجود این، اگر کسی آمین گفتن را در حالت تقیه ترک کند، هر چند مرتکب گناه شده، نمازش صحیح است؛<sup>۱۳</sup> زیرا آمین گفتن حتی نزد اهل سنت از اجزای نماز به شمار نمی‌رود و واجب نیست.<sup>۱۴</sup> برخی نماز را در این حال، از آن رو صحیح دانسته‌اند که نماز طبق وظیفه واقعی به جا آورده شده است.<sup>۱۵</sup>

### ◀ منابع

احقاق الحق: نور الله الحسینی الشوشتری (م. ۱۰۱۹ق.)، تعلیقات شهاب الدین نجفی، قم، مکتبه النجفی، ۴۰۶ق؛ اضواء علی السنة المحمدیه: محمود ابوریة (م. ۱۳۸۵ق.)، قم، البطحا؛ الاقناع: الشربینی (م. ۹۷۷ق.)، بیروت،

۷. مستند الشیعه، ج ۵، ص ۱۹۰؛ جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۳.

۸. مصباح الفقیه، ج ۲، ص ۳۱۳.

۹. تذکره الفقهاء، ج ۳، ص ۱۶۳؛ نهایة الاحکام، ج ۱، ص ۴۶۶.

۱۰. مجمع الفائده، ج ۲، ص ۲۳۷؛ جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۱۰-۱۱.

۱۱. جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۱۰-۱۱.

۱۲. غنائم الايام، ج ۲، ص ۴۵۳.

۱۳. جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۱۱.

۱۴. التنقیح، ج ۴، ص ۳۲۴؛ «کتاب الطهاره».

آرای فقیهان در جواز گفتن آمین در دیگر مواضع نماز مختلف است. بیشتر فقیهان اهل سنت گفتن آمین را جز در نماز صبح، تنها پس از قرائت سوره حمد جایز می‌دانند و بر آنند که در صورت فراموشی نمازگزار و گذشتن از محل، گفتن آن جایز نیست.<sup>۱</sup> برخی دیگر در صورت فراموشی، گفتن آمین را تا قبل از رفتن به رکوع جایز شمرده‌اند.<sup>۲</sup> برخی از فقیهان اهل سنت نیز در قنوت نماز صبح، آمین گفتن مأموم را واجب شمرده و شماری دیگر او را میان خواندن قنوت یا آمین گفتن در پاسخ به دعای امام مخیر دانسته‌اند.<sup>۳</sup> مستند استحباب آمین در قنوت، روایتی از ابن عباس است که پیامبر ﷺ در یک ماه در همه نمازها قنوت خواند و مأمومان آمین گفتند.<sup>۴</sup> بیشتر فقیهان امامی گفتن آمین را به طور مطلق، خواه پس از خواندن حمد و خواه در مواضع دیگر نماز، جایز ندانسته‌اند.<sup>۵</sup> مهم‌ترین مستند این دیدگاه آن است که آمین سخن آدمیان است نه ذکر نماز؛ و از این رو، گفتن آن در هیچ جای نماز جایز نیست.<sup>۶</sup> دیدگاه دیگر آن است که آمین گفتن

۱. المعنی، ج ۱، ص ۵۳۰؛ کشاف القناع، ج ۱، ص ۴۰۷؛ المجموع، ج ۳، ص ۳۷۳.

۲. روضة الطالبین، ج ۱، ص ۳۵۲.

۳. المجموع، ج ۳، ص ۵۰۱.

۴. المجموع، ج ۲، ص ۵۰۲.

۵. جامع المقاصد، ج ۲، ص ۲۴۸؛ مسالك الافهام، ج ۱، ص ۲۱۰.

۶. غنائم الايام، ج ۲، ص ۵۰۸؛ مستمسک العروه، ج ۶، ص ۵۹۲.

به كوشش قوچانی و ديگران، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ **الجبلى المتين**: البهائى (م. ١٠٣١ق.)، قم، مكتبة بصيرتى، ١٣٩٨ق؛ **الحدائق الناضرة**: يوسف البحرانى (م. ١١٨٦ق.)، به كوشش آخوندى، قم، نشر اسلامى، ١٣٦٣ش؛ **الخلافا**: الطوسى (م. ١٤٦٠ق.)، به كوشش سيد على خراسانى و ديگران، قم، نشر اسلامى، ١٤١٨ق؛ **الدر المنثور**: السيوطى (م. ٩١١ق.)، بيروت، دار المعرفه، ١٣٦٥ق؛ **الدروس الشرعية**: الشهيد الاول (م. ٧٨٦ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١٢ق؛ **دعائم الاسلام**: النعمان المغربى (م. ٣٦٣ق.)، به كوشش فيضى، قاهره، دار المعارف، ١٣٨٣ق؛ **الدعوات**: الراوندى (م. ٥٧٣ق.)، قم، مدرسة الامام المهدي، ١٤٠٧ق؛ **ذكرى**: الشهيد الاول (م. ٧٨٦ق.)، قم، آل البيت (ع)، ١٤١٩ق؛ **رسالة ابن ابي زيد**: القيروانى (م. ٣٨٩ق.)، بيروت، المكتبة الثقافية؛ **روض الجنان فى شرح ارشاد الازدهان**: الشهيد الثانى (م. ٩٦٥ق.)، قم، آل البيت (ع)؛ **روضة الطالبين**: النووى (م. ٦٧٦ق.)، به كوشش عادل احمد و على محمد، بيروت، دار الكتب العلميه؛ **زاد المسير**: ابن الجوزى (م. ٥٩٧ق.)، به كوشش محمد عبدالرحمن، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٧ق؛ **سنن ابن ماجه**: ابن ماجه (م. ٢٧٥ق.)، به كوشش محمد فؤاد، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٣٩٥ق؛ **سنن ابي داود**: السجستانى (م. ٢٧٥ق.)، به كوشش سعيد محمد اللحام، بيروت، دار الفكر، ١٤١٠ق؛ **سنن الترمذى**: الترمذى (م. ٢٧٩ق.)، به كوشش عبدالوهاب، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٢ق؛ **سنن الدارمى**: الدارمى (م. ٢٥٥ق.)، احياء السنة النبويه؛ **السنن الكبرى**: البيهقى (م. ٤٥٨ق.)، بيروت، دار الفكر؛ **سنن النسائى**: النسائى (م. ٣٠٣ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٣٤٨ق؛ **شرائع الاسلام**: المحقق الحلى

دار المعرفه؛ **الانتصار**: السيد المرتضى (م. ٤٣٦ق.)، قم، النشر الاسلامى، ١٤١٥ق؛ **الانوار البهيه**: شيخ عباس القمى (م. ١٣٥٩ق.)، قم، النشر الاسلامى، ١٤١٧ق؛ **بحار الانوار**: المجلسى (م. ١١٠ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٣ق؛ **البداية والنهايه**: ابن كثير (م. ٧٧٤ق.)، به كوشش على شيرى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٨ق؛ **تاج العروس**: الزبيدى (م. ١٢٠٥ق.)، به كوشش على شيرى، بيروت، دار الفكر، ١٤١٤ق؛ **تاويل مختلف الحديث**: ابن قتيبه (م. ٢٧٦ق.)، به كوشش اسماعيل اسعدى، بيروت، دار الكتب العلميه؛ **تذكرة الفقهاء**: العلامة الحلى (م. ٧٢٦ق.)، قم، آل البيت (ع)، ١٤١٤ق؛ **تفسير ابن كثير** (تفسير القرآن العظيم): ابن كثير (م. ٧٧٤ق.)، به كوشش مرعشلى، بيروت، دار المعرفه، ١٤٠٩ق؛ **تفسير ثعلبى** (الكشف والبيان): الثعلبى (م. ٤٢٧ق.)، به كوشش ابن عاشور، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٢٢ق؛ **تفسير سيد مصطفى خمينى** (تفسير القرآن الكريم): سيد مصطفى خمينى (م. ١٣٥٦ش.)، نشر آثار الامام (ع)، ١٤١٨ق؛ **التنقيح فى شرح العروة الوثقى**: تقرير بحث الخوئى (م. ١٤١٣ق.)، ميرزا على تيريزى، قم، انصاريان، ١٤١٧ق؛ **تهذيب الاحكام**: الطوسى (م. ٤٦٠ق.)، به كوشش موسى و آخوندى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٥ش؛ **تهذيب التهذيب**: ابن حجر العسقلانى (م. ٨٥٢ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٤ق؛ **جامع احاديث الشيعة**: اسماعيل معزى ملايرى، قم، المطبعة العلميه، ١٣٩٩ق؛ **جامع الخلاف و الوفاق**: على بن محمد القمى السبزوارى (م. قرن ٧)، به كوشش حسنى، قم، زمينه سازان ظهور امام عصر، ١٣٧٩ش؛ **جامع المقاصد**: الكركى (م. ٩٤٠ق.)، قم، آل البيت (ع)، ١٤١١ق؛ **جواهر الكلام**: النجفى (م. ١٢٦٦ق.)،



بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ کشف الغطاء: کاشف الغطاء (م. ۱۲۲۷ق)، اصفهان، مهدوی؛ کنز العمال: المتقی الہندی (م. ۹۷۵ق)، به کوشش صفوة السقاء، بیروت، الرسالہ، ۱۴۱۳ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق)، قم، ادب الحوزہ، ۱۴۰۵ق؛ الميسوط: السرخسی (م. ۴۸۳ق)، بیروت، دار المعرفہ، ۱۴۰۶ق؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۵ق؛ مجمع الزوائد: الہیثمی (م. ۸۰۷ق)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۲ق؛ مجمع الفائدة والبرهان: المحقق الاردبیلی (م. ۹۹۳ق)، به کوشش عراقی و دیگران، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ المجموع شرح المہذب: النووی (م. ۶۷۶ق)، دار الفکر؛ مدارک الاحکام: سید محمد بن علی الموسوی العاملی (م. ۱۰۰۹ق)، قم، آل البيت (ع)؛ مسالک الافہام الی تنقیح شرائع الاسلام: الشہید الثانی (م. ۹۶۵ق)، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ مستدرک الوسائل: النوری (م. ۱۳۲۰ق)، بیروت، آل البيت (ع)؛ ۱۴۰۸ق؛ مستمسک العروة الوثقی: سید محسن حکیم (م. ۱۳۹۰ق)، قم، مکتبۃ النجفی، ۱۴۰۴ق؛ مستند الشیعہ: احمد النراقی (م. ۱۲۴۵ق)، قم، آل البيت (ع)؛ ۱۴۱۵ق؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق)، بیروت، دار صادر؛ مصباح الفقیہ: رضا الہمدانی (م. ۳۲۲ق)، تہران، مکتبۃ الصدر؛ معانی الاخبار: الصدوق (م. ۳۸۱ق)، به کوشش غفاری، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ش؛ المعبر: المحقق الحلی (م. ۶۷۶ق)، مؤسسۃ سید الشہداء، ۱۳۶۳ش؛ المعجم الکبیر: الطبرانی (م. ۳۶۰ق)، به کوشش حمدی عبدالمجید، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ معجم لغة الفقہاء: محمد قلعه‌جی، بیروت، دار النفائس، ۱۴۰۸ق؛ معجم مقایس اللغہ: ابن فارس (م. ۳۹۵ق)، به کوشش

(م. ۶۷۶ق)، به کوشش سید صادق شیرازی، تہران، استقلال، ۱۴۰۹ق؛ شرح نہج البلاغہ: ابن ابی الحدید (م. ۶۵۶ق)، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیہ، ۱۳۷۸ق؛ الصافی: فیض الکاشانی (م. ۱۰۹۱ق)، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۲ق؛ الصحاح: الجوہری (م. ۳۹۳ق)، به کوشش احمد العطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق؛ صحیح البخاری: البخاری (م. ۲۵۶ق) بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ق؛ صحیح مسلم بشرح النووی: النووی (م. ۶۷۶ق)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق؛ صحیح مسلم: مسلم (م. ۲۶۱ق)، بیروت، دار الفکر؛ عمدۃ القاری: العینی (م. ۸۵۵ق)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ عون المعبود: العظیم آبادی (م. ۱۳۲۹ق)، بیروت، دار الکتب العلمیہ، ۱۴۱۵ق؛ العین: خلیل (م. ۱۷۵ق)، به کوشش المخزومی و السامرائی، دار الہجرہ، ۱۴۰۹ق؛ غنائم الايام: میرزا ابوالقاسم القمی (م. ۱۲۲۱ق)، به کوشش تبریزیان، الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۷ق؛ فتح الباری: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق)، بیروت، دار المعرفہ؛ فتح العزیز: عبدالکریم بن محمد الرافعی (م. ۶۲۳ق)، دار الفکر؛ فیض القدير: المناوی (م. ۱۰۳۱ق)، به کوشش احمد عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العلمیہ، ۱۴۱۵ق؛ قاموس الكتاب المقدس: بطرس عبدالملک و دیگران، القاہرہ، دار الثقافہ، ۱۹۹۴م؛ الکافی: کلینی (م. ۳۲۹ق)، به کوشش غفاری، تہران، دار الکتب الاسلامیہ، ۱۳۷۵ش؛ کتاب الطہارہ: الانصاری (م. ۱۲۸۱ق)، لجنة تحقیق تراث الشیخ، المؤتمر العالمی لمیلاد الشیخ الانصاری، قم، ۱۴۱۵ق؛ کتاب مقدس: ترجمہ: فاضل خان ہمدانی، ویلیام گلن، ہنری مرتن، تہران، اساطیر، ۱۳۸۰ش؛ کشف القناع: منصور البہوتی (م. ۱۰۵۱ق)، به کوشش محمد حسن،

عبدالسلام، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ق؛ **المغنی و الشرح الكبير**: عبدالله بن قدامة (م. ۶۲۰ق.) و عبدالرحمن بن قدامة (م. ۶۸۲ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ **مفردات**: الراغب (م. ۴۲۵ق.)، نشر الکتب، ۱۴۰۴ق؛ **مکارم الاخلاق**: الطبرسی (م. ۵۴۸)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۲ق؛ **من لا یحضره الفقیه**: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ **الموطأ**: مالک بن انس (م. ۱۷۹ق.)، به کوشش محمد فؤاد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق؛ **میزان الاعتدال فی نقد الرجال**: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۸۲ق؛ **نفحات الازهار فی خلاصة عبقات الانوار**: سید علی الحسینی المیلانی، قم، ۱۳۷۸ش؛ **نهاية الاحکام**: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، به کوشش رجائی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق؛ **نیل الاوطار**: الشوکانی (م. ۱۲۵۵ق.)، بیروت، دار الجیل، ۱۹۷۳م؛ **وسائل الشیعه**: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، آل‌البیت، ۱۴۱۲ق.

سید جعفر صادقی فدکی



## آویزه‌های کعبه: اشیای قیمتی و اسناد

مهم آویخته بر کعبه

از دیرباز کعبه برای مردمان دور و نزدیک محترم بوده است. از این رو، هدایایی بسیار را به آن تقدیم و اسناد مهمی را در آن نگهداری می‌کردند. پرده‌داران کعبه برخی از این هدایا و اسناد را به دیوارهای داخلی و خارجی آن می‌آویختند. این اشیا از اسناد مهم تاریخی به

شمار می‌آیند. (تصویر شماره ۷)

◀ **هدایای قیمتی**: ۱. کهن‌ترین آویزه کعبه را دو شاخ قوچی دانسته‌اند که خداوند به جای ذبح اسماعیل علیه السلام برای حضرت ابراهیم علیه السلام فرستاد. در فتح مکه پس از پاکسازی کعبه از بت‌ها و تمثال‌ها، این دو شاخ به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله باقی ماند. در جریان بازسازی کعبه در زمان ابن زبیر\* به سال ۶۴ق. این شاخ‌ها بر اثر فرسودگی بسیار متلاشی شد، هرچند برخی گزارش‌ها از ماندن آن تا زمان حمله قرامطه\* به مکه و غارت گوه‌های کعبه در سال ۳۱۶ق. یاد می‌کنند.<sup>۲</sup> مسعودی ایرانیان را نخستین کسانی دانسته که اموال و گوه‌هایی به کعبه هدیه کردند.<sup>۳</sup>

۲. دو آهوی زرین که عبدالملک جد پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام حفر چاه زمزم یافت و بر در کعبه آویخت. بر پایه گزارشی، این دو آهو را ساسان پسر بابک ساسانی به کعبه هدیه کرده بود و هنگامی که قبیله خزاعه، جرحمیان را از مکه بیرون راند و پرده‌داری کعبه را از آنان گرفت، این دو آهو را دفن کردند.<sup>۴</sup> این آهوان را نخستین زیور طلای کعبه دانسته‌اند.<sup>۵</sup>

۱. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۲۲۴.

۲. تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۱۱۹.

۳. مروج الذهب، ج ۱، ص ۲۶۵؛ شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۲۳.

۴. الطبقات، ج ۱، ص ۶۹؛ مروج الذهب، ج ۱، ص ۲۶۵؛ تاریخ

ابن خلدون، ج ۲، ص ۴۰۳.

۵. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۲۷.